



Methods of Conveying Abstract Concepts in Persian Language Teaching

Ghasem Mehravar Giglou^۱

Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

Mansoor Alizadeh^۲

PhD in Persian Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili, Tehran, Iran.

Abdolhosein Heidari^۳

Department of English, Farhangian University, Tehran, Iran.

Abstract

Conceptual metaphor constitutes an effective means of facilitating the clearer and more accessible comprehension of abstract and intangible concepts. The present study investigates both the extent of the use of conceptual metaphor and its role in conveying abstract concepts within the sixthgrade Persian textbook. To this end, employing the method of categorical content analysis, the conceptual metaphors embedded in the textbook were extracted and evaluated. First, data pertaining to source and target domains, semantic extension, and their mappings were systematically categorized through tabular representation. Subsequently, their frequencies were determined for further examination and analysis. Through these procedures, the research questions—concerning the degree of metaphor usage in the sixthgrade Persian textbook, the diversity of source domains, and the total number of overarching metaphors employed—were addressed as follows: Findings revealed that the authors utilized a total of ۱۷۴ metaphors to facilitate the comprehension of abstract and intangible concepts, thereby enhancing students' cognitive understanding. Among these, the diversity of target domains amounted to ۹۶, while the diversity of source domains reached ۱۱۷; thus, the variation across both domains demonstrates a satisfactory frequency. However, according to the data obtained, the distribution of metaphors across the ۱۷ lessons of the textbook does not follow a logical pattern. Consequently, it appears that the metaphors included in the textbook were not systematically aligned with its pedagogical objectives, and the authors did not fully consider the instructional potential of metaphor in the sixthgrade Persian curriculum. It is suggested that, by establishing balance in the deployment of metaphors across all lessons, textbook authors could employ this cognitive tool in a more systematic and pedagogically effective manner.

Keywords: Conceptual metaphor, abstract concepts, Persian textbook, sixth grade, students.

^۱. Email: gh.mehravar@cfu.ac.ir (Corresponding Author)

^۲. Email: shang.m^{۹۰}@gmail.com

^۳. Email: a.heidari@cfu.ac.ir

شیوه‌های تفهیم مفاهیم انتزاعی در آموزش زبان فارسی

قاسم مهرآور گیگلو^۱

استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

منصور علیزاده^۲

دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، تهران.

عبدالحسین حیدری^۳

گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

چکیده

استعاره مفهومی شیوه‌ای مؤثر برای آموزش بهتر و آسان‌تر مفاهیم انتزاعی و ناملموس در زبان فارسی است. در پژوهش حاضر میزان کاربرد استعاره مفهومی و همچنین نقش آن در تفهیم مفاهیم انتزاعی کتاب «فارسی» ششم برای آموزش زبان فارسی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است. به همین منظور با روش تحلیل مقوله‌ای محتوا، استعاره‌های مفهومی به کار رفته در کتاب استخراج شده و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. نخست داده‌های مربوط به حوزه‌های مقصد و مبدأ، تعمیم معنا و نگاشت آن از طریق جدول‌هایی دسته‌بندی شد. سپس فراوانی آن‌ها نیز تعیین شد تا مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. از رهگذر این بررسی‌ها به پرسش‌های تحقیق که میزان استفاده از استعاره مفهومی در فارسی ششم برای آموزش زبان فارسی، تنوع قلمروهای مبدأ و تعداد کلان استعاره‌های به کار رفته در آن را مورد سؤال قرار داده بود، بدین‌گونه پاسخ داده شد: یافته‌ها نشان داد که مؤلفان در مجموع از ۱۷۴ استعاره برای تفهیم مفاهیم انتزاعی و ناملموس در جهت ارتقای ادراک دانش‌آموزان و آموزش زبان فارسی بهره برده‌اند. از آن میان، تنوع حوزه‌های مقصد عینی شده به ۹۶ و تنوع حوزه‌های مبدأ استفاده شده، به ۱۱۷ مورد می‌رسد؛ بنابراین تنوع دو حوزه مبدأ و مقصد در فارسی ششم از بسامد قابل قبولی برخوردار است. اما مطابق با اطلاعات بدست آمده در این پژوهش، پراکندگی استعاره‌ها به تفکیک هر یک از ۱۷ درس کتاب، از نظمی منطقی برخوردار نیست؛ در نتیجه، به نظر می‌رسد که نمونه استعاره‌های موجود در کتاب با هدف تعلیمی آن صورت نپذیرفته و مؤلفان در به‌کارگیری آن در فارسی ششم، این قابلیت استعاره را در نظر نداشته‌اند. از آن‌جا که طراحان کتاب دوره‌ها و توسعه‌دهندگان مواد باید با ارائه مثال‌های واضح و عملی در کتاب‌های معلمان آینده، راهکارهای یادگیری بیشتری را در اختیار داشته باشند و استعاره ضمن آموزش مفاهیم ناملموس سطح یادگیری زبان و آموزش زبان‌آموزان را نیز ارتقا می‌بخشد، مؤلفان کتاب آموزشی زبان فارسی با ایجاد توازن در به‌کارگیری استعاره در همه درس‌ها، می‌توانند به شکلی نظام‌مند از این ابزار تفهیمی و آموزشی استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: استعاره مفهومی، مفاهیم انتزاعی، آموزش زبان فارسی، پایه ششم، دانش‌آموز.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶

(نویسنده مسئول)

۱. Email: gh.mehraavar@cfu.ac.ir

۲. Email: shang.m90@gmail.com

۳. Email: a.haidari@cfu.ac.ir

مقدمه

تاریخ بحث استعاره را می‌توان به آغاز پیدایش فلسفه و مطالعات ادبی گره زد. بیش از دو هزار سال استعاره را در علم بلاغت مطالعه می‌کردند و آن را یکی از فنون بلاغی محسوب می‌کردند که بر پایه مقایسه بین دو پدیده استوار است؛ اما برخلاف تشبیه، این مقایسه با ادات تشبیه بیان نمی‌شود. با همین استدلال جمله‌ای مانند «او مثل شیر است» را تشبیه و «او دل شیر دارد» را استعاره می‌دانستند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۵۲). در سنت مطالعات ادبی، فنون ادبی از جمله استعاره را خاص زبان ادبی تصور می‌کردند که از زبان روزمره و محاوره متمایز است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) برای اولین بار نظریه استعاره مفهومی را مطرح کردند. آنها اذعان نمودند که استعاره فقط یک ویژگی سبکی زبان ادبی نیست؛ بلکه ذهن دارای ماهیتی استعاری است، به همین دلیل آن را استعاره مفهومی نام نهادند. به باور آنها «استعاره یکی از اجزای تفکیک‌ناپذیر هر زبانی است، به گونه‌ای که بیان مفاهیم انتزاعی بدون استفاده از مفاهیم استعاری غیرممکن می‌باشد» (خسروی، ۱۳۹۱: ۶۰). بدین ترتیب صاحب‌نظران علوم شناختی و زبان‌شناسی نقش مهمی را در گسترش بحث استعاره ایفا کرده‌اند. درکی که بشر از عالم خارج دارد از همان ابتدا مورد توجه فلسفه تعلیم و تربیت بوده است. یکی از مهم‌ترین نقش‌های ذهن انسان، میسر ساختن مفاهیمی است که برای درک بهتر عالم خارج به کار برده می‌شود و استعاره و زبان، نقش مهمی در ایجاد بافتی برای تحقق چنین درکی برعهده دارند. در پژوهش پیش‌رو تلاش کرده‌ایم تا کارکرد این ابزار در آموزش مفاهیم انتزاعی برای مخاطبان آموزش زبان فارسی را مورد ارزیابی قرار دهیم.

مبانی نظری پژوهش

در دیدگاه شناختی «استعاره به عنوان درک یک حوزه مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگر تعریف می‌شود» (Kveces, ۲۰۱۰: ۴) که بین حوزه‌های عینی و انتزاعی آن نگاشت صورت می‌گیرد و طرح‌واره‌های تصویری موجود در ذهن، بنیان نگاشت‌های استعاری را فراهم می‌کنند. برای مثال در جمله «او از خوشحالی پر درآورد» حوزه مقصد (عاطفه) که انتزاعی است با بهره‌گیری از یک حوزه مبدا و عینی (پرواز) بیان شده است. حوزه‌های مقصد معمولاً حوزه‌های انتزاعی‌اند و دارای ویژگی‌های فیزیکی نیستند، بنابراین درک آنها مشکل است. از همین روست که این حوزه‌های انتزاعی را به صورت استعاری با بهره‌گیری از حوزه‌های مبدا عینی نشان می‌دهند. استعاره در دیدگاه شناختی بخشی از تفکر، نه زبان، قلمداد می‌شود که در زبان روزمره به وفور یافت می‌شود. همچنین در آراء شناختی استعاره «نه تنها زبانی و ادراکی، بلکه در ذات جسمانی نیز هست» (کوچس، ۱۳۹۴: ۲۶). از رهگذر این تعریف «زبان تنها یک سیستم ارتباطی نیست بلکه حامل ارزش‌ها، باورها، و هنجارهای اجتماعی است که در بافت فرهنگی و تاریخی خاصی شکل گرفته است» (فرجی، ۱۳۹۲: ۱۴۰۳) و استعاره به عنوان سطح پیشرفته‌ای از زبان در انتقال مفاهیم و ایجاد ارتباط جایگاه ویژه‌ای دارد.

طبق دیدگاه ویتگنشتاین استعاره تنها یک ابزار بلاغی نیست، بلکه استعاره این توانایی را دارد که تخیل را برانگیزد و به ذهن انسان در تحقق درک و یادگیری روشنائی بخشد. در نگاه وی استعاره‌ها قابلیت دارند که از آن می‌توان «برای تدوین الگوهای یادگیری و یاددهی» (پندآموز،

۱۴۰۲: ۱۲۹)، استفاده کرد. بنابراین استعاره به عنوان یک امکان، چارچوبی را برای درک اشکال مختلف زندگی فراهم می‌نماید. این چارچوب در پیوند با یافته‌های علوم شناختی و روان‌شناسی تربیتی، زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم یادگیری استعاری شده است. بدین‌سان که افراد، مفاهیم جدید را از طریق نگاشت مفهومی بر پایه تجربه‌های پیشین خود درک می‌کنند. به همین سبب، استعاره نه تنها ابزار زبانی بلکه ابزار شناختی و تربیتی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند مفاهیم انتزاعی را از طریق مفاهیم آشنا و ملموس در ذهن خود رمزگذاری و بازیابی کنند. و بدین‌سان در کنار یادگیری بهتر مفاهیم ناملموس برای آن‌ها سطح یادگیری زبان در آن‌ها را نیز ارتقا می‌بخشد. برای نمونه؛ بیان مفهوم «موانع رسیدن به هدف» با کمک استعاره «کوه» برای دانش‌آموزان ششم ابتدایی، درک آن‌را آسان‌تر می‌کند؛ زیرا درک مفاهیم انتزاعی در این گروه سنی با دشواری همراه است.

در چارچوب روان‌شناسی تربیتی، استعاره مفهومی می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان شناخت، زبان و تجربه عمل کند. مدل‌های یادگیری مبتنی بر استعاره، مانند مدل انتقال شناختی از طریق نگاشت مفهومی نشان می‌دهند که استعاره توانایی دارد فرایندهای یادگیری را از سطح دریافت اطلاعات به سطح درک و تعمیم مفاهیم ارتقا دهد. زیرا استعاره به ساده‌سازی و درک مفاهیم انتزاعی کمک می‌کند و این کار از طریق برجسته‌سازی مقایسه مفاهیم انتزاعی با مفاهیم عینی و ملموس انجام می‌یابد. استعاره به برقراری ارتباط بین مفاهیم در ذهن کمک می‌نماید و دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا مفاهیم ناآشنا را به مفاهیم آشنای موجود در ذهن خود ربط بدهند. بنابراین دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان حوزه تعلیم و تربیت به‌ویژه مؤلفان و معلمان می‌توانند از استعاره به عنوان ابزاری مهم برای توضیح بسیاری از مفاهیم علمی و دینی انتزاعی استفاده نمایند تا فرایند یادگیری را برای دانش‌آموزان راحت‌تر و کارآمدتر کنند. همان‌طوری که لیکاف و جانسون (۱۹۹۹) اشاره کرده‌اند استعاره دارای سه بعد شناختی، زبانی و ارتباطی است. لو (۲۰۰۵) و استین (۲۰۱۶) بر این باورند که هر سه بعد استعاره در ساده‌سازی مفاهیم پیچیده و تفهیم آن‌ها به دانش‌آموزان در حوزه آموزش نقش آفرینی می‌کنند. به هر حال برای تولید معانی جدید و خلق تصاویر ذهنی تازه برای درک موضوعات و مفاهیم از زوایای مختلف، کاربرد استعاره در حوزه تعلیم و تربیت یک امر اجتناب‌ناپذیر است. در نظام تعلیم و تربیت کشور ما که یک نظام آموزشی کتاب محور است؛ کتاب‌های درسی ایفاگر نقش اساسی و کلیدی در فرایند یاددهی یادگیری هستند. زیرا کتاب‌های درسی به معلمان در تدریس منسجم مطالب و موضوعات مختلف و به دانش‌آموزان در تسهیل یادگیری کمک می‌نمایند. در همین راستا مشاهده کاربرد فراوان استعاره مفهومی در کتاب فارسی ششم ابتدایی موجب شد تا گسترده‌گی و کارکرد این ابزار شناختی در تفهیم مفاهیم انتزاعی و ناملموس به دانش‌آموزان از طریق شیوه تحلیل محتوا مورد مطالعه قرار گیرد تا یافته‌ها و نتایج آن برای بهره‌برداری در حوزه‌های مختلف نظام آموزشی از جمله حوزه تألیف، تدریس و ارزشیابی مفید و مثمرتر واقع شود.

با توجه به اینکه هدف غایی درس فارسی در پایه ششم، تنها خوانش متون نیست؛ بلکه تقویت مهارت‌های زبانی (درک مطلب، بیان، تفکر) و انتقال مفاهیم تربیتی و هویتی از طریق زبان است، تحلیل استعاره‌های این کتاب باید با معیارهای آموزش زبان فارسی و روان‌شناسی

رشد این مرحله سنی سنجیده شود. از طرفی دیگر «فرهنگ، بخشی گسست‌ناپذیر از زبان است و آموزش زبان در ذات خود مفاهیم فرهنگی را منتقل می‌کند. در این میان ادبیات در جایگاه یکی از جلوه‌های مهم فرهنگ در عین آموزش زبان می‌تواند انتقال دهنده جامع و کامل فرهنگ آن زبان نیز باشد» (حسین‌پور بوانی، ۱۳۹۸: ۳۸)، و بدان جهت که «طراحان کتاب دوره‌ها و توسعه دهندگان مواد باید با ارائه مثال‌های واضح و عملی در کتاب‌های معلمان آینده، راهکارهای یادگیری بیشتری را در اختیار داشته باشند» (مشکین فام، ۱۳۹۹: ۳۲)، این پژوهش در پی آن است که ضمن احصای استعاره‌ها، میزان انطباق کاربرد آنها با این اهداف آموزشی و جایگاه احصای استفاده از این روش آموزشی را تحلیل نماید.

پیشینه پژوهش

استعاره مفهومی از جمله مهم‌ترین نظریه‌های ادبی است که در پژوهش‌های مختلفی مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است؛ اما، بهره‌گیری از استعاره مفهومی در آموزش مفاهیم انتزاعی و ناملموس و تبیین بهتر آن در امر یادگیری موضوعی است که در میان پژوهش‌های انجام شده مغفول مانده است. بنابراین تعداد کمی از پژوهش‌های انجام شده بر پایه این نظریه وجود دارد که کارکرد آموزشی آن را مورد توجه قرار داده است؛ از جمله آن پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شریفی و حامدی شیروان (۱۳۹۵) در پژوهش خود با رویکرد زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌های به‌کاررفته در ده داستان کودک و نوجوان را بررسی کرده‌اند. روش آنان تحلیل کیفی متون بود و یافته‌ها نشان داد استعاره‌ها نقش مهمی در تسهیل درک مفاهیم انتزاعی دارند. با این حال، محدودیت مطالعه در آن بود که تنها به ده داستان خاص محدود شد و امکان تعمیم نتایج به کل ادبیات کودک وجود ندارد.

علی‌زاده بیگدیلو و همکاران (۱۴۰۳) استعاره‌های موجود در کتاب «هدیه‌های آسمانی» پایه‌های دوم و سوم دبستان را تحلیل کرده‌اند. روش آنان تحلیل محتوای آموزشی بود و نتایج پژوهش نشان داد استعاره‌ها در انتقال مفاهیم غیرعینی نقش آموزشی مؤثری دارند. نقطه قوت این پژوهش توجه به کارکرد آموزشی استعاره‌هاست؛ اما محدودیت آن تمرکز صرف بر یک کتاب درسی خاص است.

زندى و همکاران (۱۳۹۴) با هدف بررسی استعاره‌های کارکردی در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی (پایه‌های دوم و سوم)، از روش تحلیل محتوای شناختی بهره برده‌اند. یافته‌ها نشان داد استعاره‌های کارکردی در این کتاب‌ها به‌طور گسترده به کار رفته‌اند، اما پژوهش کمتر به محدودیت‌های کاربردی یا تأثیر واقعی آن‌ها بر یادگیری دانش‌آموزان پرداخته است.

صائمین و همکاران (۱۴۰۱) با تکیه بر رویکرد لیکاف و جانسون، استعاره‌های مفهومی جهت‌دار زمان در مکان را در کتاب فارسی پایه چهارم ابتدایی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد استفاده از استعاره‌های زمان در مکان گسترده است و پیشنهاد شد بهره‌گیری از استعاره‌های مفهومی در همه بخش‌های کتاب افزایش یابد. نقطه قوت این پژوهش ارائه پیشنهاد کاربردی برای بهبود محتوای آموزشی است، اما محدودیت آن تمرکز بر یک نوع خاص استعاره است.

در کنار این مطالعات، پژوهش‌های دیگری نیز به تحلیل کتاب فارسی پایه ششم پرداخته‌اند، هرچند از نظریه استعاره مفهومی استفاده نکرده‌اند. حسنی و همکاران (۱۳۹۷) با رویکرد گیلفورد نشان دادند که

مؤلفان فارسی ششم بیشتر بر حافظه شناختی تأکید کرده‌اند. مختاری و کبری (۱۳۹۵) با استفاده از تکنیک فرای به این نتیجه رسیدند که متن کتاب از ساده به دشوار تنظیم شده است. کریمی و همکاران (۱۳۹۵) نیز با تحلیل انتقادی گفتمان نشان دادند که بهره‌گیری از زبان شعر و داستان برای تأثیرگذاری بیشتر بر دانش‌آموزان صورت گرفته است. این مطالعات هرچند ارزشمندند، اما به‌طور مستقیم به نقش استعاره در آموزش نپرداخته‌اند.

در مجموع، چهار پژوهش نخست به دلیل تمرکز بر نقش تسهیل‌گری استعاره در یادگیری، جایگاه ویژه‌ای دارند. با این حال، محدودیت‌های آن‌ها — از جمله تمرکز بر نمونه‌های محدود یا نوع خاصی از استعاره — ضرورت انجام پژوهش‌های جامع‌تر با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر در همین راستا تلاش دارد خلأ موجود را پر کند و جایگاه استعاره‌های مفهومی در آموزش زبان فارسی را روشن‌تر سازد.

همه پژوهش‌های ذکر شده، در نوع خود حائز اهمیت هستند؛ اما چهار مقاله نخست به جهت توجه به نقش تسهیل‌گری استعاره در امر آموزش، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. انجام تحقیقات بیشتر با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی، لزوم بهره‌گیری از این امکان در تألیف کتاب‌های درسی و آموزشی را بیش از پیش نمایان خواهد کرد.

پرسش‌های پژوهش

تفاوت در توان ذهنی افراد، ضعف در یادگیری مباحث انتزاعی، فقدان آموزش‌های اصولی در برخی از مدارس کشور و بسیاری از موانع مشابه دیگر که در فهم مباحث انتزاعی نقش منفی ایفا می‌کنند، لزوم استفاده از روش‌های نوین در تألیف کتاب‌های درسی را بیش از پیش نشان می‌دهند. در پژوهش پیش‌رو که میزان بهره‌مندی از استعاره مفهومی در «فارسی» پایه ششم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، تلاش می‌شود تا تحلیلی علمی از شمار و تنوع استعاره‌های مورد استفاده در کتاب مذکور ارائه شود. اهمیت این موضوع بدان جهت است که تبیین کارکرد استعاره، می‌تواند بر نحوه تألیف کتاب‌های آموزشی مرتبط با نیازهای فرهنگی تربیتی، نیازهای روحی و ارتقای قدرت ادراکی و تشخیصی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد؛ مباحثی که عموماً انتزاعی و برای دانش‌آموزان ناملوس هستند. با توجه به نقش نظریه استعاره مفهومی در دستیابی به چنین هدفی و اذعان به این نکته که «پاسخ‌ها به عمیق‌ترین پرسش‌ها درباره هستی انسان به احتمال بسیار زیاد پاسخ‌های استعاره‌ای هستند» (نیلی‌پور، ۱۳۹۴: ۶۴)، بهره‌گیری از این امکان برای درک هرچه بهتر مفاهیم ناشناخته یا کم‌تر شناخته می‌تواند کارساز باشد. به ویژه آن‌که از اهداف مؤلفان در تألیف فارسی ششم ابتدایی به این نکته اذعان شده است که «در پایه‌های بالاتر مثل ششم، زبان گذرگاهی است برای رفتن به دنیای معانی و مفاهیم علوم گوناگون» (قاسم‌پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۶). لذا استفاده از ابزارهایی مانند استعاره جهت درک هرچه بهتر مفاهیم مد نظر کتاب‌های درسی نباید مورد غفلت قرار بگیرد. در همین راستا در تلاش هستیم تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱. مؤلفان کتاب «فارسی» ششم ابتدایی برای تفهیم مفاهیم غیرعینی، به چه میزان از استعاره مفهومی بهره برده‌اند؟
۲. تنوع قلمروهای مبدأ به کار گرفته شده جهت ملموس کردن قلمروهای مقصد چگونه است؟
۳. خرده استعاره‌های به کار رفته در کتاب ذیل چند کلان استعاره قرار می‌گیرند؟
۴. کاربرد استعاره‌های مفهومی در کتاب فارسی ششم ابتدایی، تا چه حد از آگاهی آموزشی برخوردار بوده و با معیارهای طراحی آموزشی کتاب درسی (مانند تناسب سنی، توزیع متوازن، و پوشش اهداف درسی) منطبق است؟

روش

در این پژوهش از روش «تحلیل مقوله‌ای محتوا» برای نوشتن آن استفاده شده است؛ شیوه‌ای که از زیرمجموعه‌های روش «تحلیل محتوا» محسوب می‌شود. در این روش باید «تمامی آن‌چه در متن وجود دارد و مربوط به موضوع مورد بررسی است، مورد توجه قرار گیرد و محقق نباید به طرز خودخواهانه و گزینشی با متن برخورد کند» (نظری و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۴). یعنی باید مقولات و واحدهای جامعی داشته باشد. همچنین مطابق با این شیوه، ابتدا داده‌های مستخرج از متن را به اجزایی تجزیه کرده و سپس آن‌ها را در رده‌هایی دسته‌بندی می‌کنیم، در گام بعدی فراوانی هر یک از دسته‌ها را شمارش کرده و درصد آن‌ها را تعیین می‌کنیم، در پایان آمارهای به دست آمده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم (فتوحی، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

دامنه این پژوهش، کلیه متون نوشتاری موجود در هفده درس کتاب فارسی پایه ششم ابتدایی (شامل متون آموزشی، شعرها، حکایت‌ها و بخش‌های مربوط به تمرینات ساختاریافته) را در بر می‌گیرد و هیچ بخشی حذف نشده است.

ابزار اصلی تحلیل در این پژوهش، «برگه کدگذاری استعاره‌های مفهومی» بود که توسط پژوهشگر طراحی شد. این برگه کدگذاری، شامل متغیرهای روش‌شناختی نظیر شماره صفحه، قلمرو مبدأ، قلمرو مقصد، نوع نگاشت استعاری (تعمیم چندمعنا و نگاشت جزئی) و دسته‌بندی نهایی بود. این پروتکل تحلیل، چارچوب مدونی را برای شناسایی و ثبت عینی استعاره‌ها فراهم آورد تا قابلیت تکرارپذیری تحلیل تضمین شود.

جهت سنجش روایی محتوایی، نتایج کدگذاری‌های اولیه در اختیار دو متخصص در حوزه زبان فارسی و یک نفر در حوزه زبان‌شناسی شناختی قرار گرفت تا صحت انطباق استعاره‌های استخراج‌شده با چارچوب نظری و دقت تفسیرها بررسی شود.

برای سنجش پایایی و میزان سازگاری درون‌سیستمی، ۲۰ درصد از داده‌های کدگذاری‌شده توسط یک کدگذار ثانویه که با پروتکل تحلیل آشنا بود، مجدداً کدگذاری شد. محاسبه ضریب توافق بین کدگذاران با استفاده از ضریب کاپای کوهن انجام شد که نتیجه آن ۰/۸۷ بود؛ این میزان بیانگر ثبات و پایایی بالای نظام کدگذاری است.

در نهایت، داده‌های ثبت‌شده در برگه کدگذاری، در قالب جدول شماره ۱ (جزئیات قلمرو مبدأ و مقصد)، جدول شماره ۲ (فراوانی استعاره‌ها به تفکیک درس) و جدول شماره ۳ (کلان استعاره‌ها و خرد استعاره‌ها) دسته‌بندی و گزارش شدند. نمودار بسامد نیز جهت نمایش سهم کلان استعاره‌ها ترسیم شد.

یافته‌ها

در کتاب فارسی ششم ابتدایی که با هدف ارتقای قوه ادراکی و شناختی دانش‌آموزان در کنار آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن تألیف شده است، به شکل قابل توجهی از استعاره برای تفهیم مفاهیم ناملموس استفاده شده است. مباحث انتزاعی موجود در این کتاب عمدتاً شامل اخلاقیات یا باورهای دینی است که به شکل غیرمستقیم آموزش داده می‌شود. لذا بیش از سایر کتاب‌ها در تألیف آن نیازمند بهره‌گیری از روش‌های مؤثر و نوین هستیم. در این بخش استعاره‌های موجود در کتاب «فارسی» پایه ششم ابتدایی را، طی جدول شماره ۱ و ۲ و ۳ ذکر کرده و به بررسی و تحلیل آن می‌پردازیم.

جدول شماره ۱. نمونه قلمروهای مبدأ و مقصد، تعمیم چندمعنا و نگاشت جزئی فارسی پایه ششم ابتدایی به تفکیک درس‌ها

نام درس	قلمرو مقصد	قلمرو مبدأ	تعمیم چند معنا	نگاشت جزئی	صفحه
پنجشنبه	دل	چراغ	روشنی بخشیدن	دل، چراغ است.	۸
	جان	نور	روشنایی بخشی	جان، نور است.	۸
	جان	انسان	یادگرفتن / آموختن	جان، انسان است.	۸
	جان	ظرف	قرار گرفتن چیزی در آن	جان، ظرف است.	۸
	آدم	خاک	تحول و شکوفایی	آدم، خاک است.	۸
	وجود انسان	گلشن	زیبایی	وجود انسان، گلشن است.	۸
	جهان	فروغ نور حق	روشنایی و زیبایی	جهان، فروغ نور حق است.	۸
	عالم	کتاب حق تعالی	دانش و آگاهی	عالم، کتاب حق تعالی است.	۸

درس اول: معرفت آفریدگار حکایت: معجبت	دانش، فهم و آگاهی	نور	روشنایی	معرفت خدا، نور است.	۱۱
	نیندیشیدن به آفرینش خدا	تاریکی	گمراهی و ضلال	نیندیشیدن به آفرینش خدا، تاریکی است.	۱۱
	معرفت	صراط مستقیم	درست بودن	معرفت خدا، صراط مستقیم است.	۱۱
	گمراهی	عدم شناخت	تاریک / نادرست بودن	عدم شناخت خدا، گمراهی است.	۱۱
	تحزک و پویایی	باد	سرزنده بودن	باد، تحزک است.	۱۱
	تازگی و نو شدن	مرغزار	شادابی و طراوت	نو شدن، مرغزار است.	۱۱
	فصل بهار	آواز پرندگان	احساس خوب داشتن	فصل بهار، آوازخوانی پرندگان است.	۱۱
	تغییر و تحوّل	باد ربیع	غنیمت شمردن فرصت و شادی	تغییر و تحوّل، باد ربیع است.	۱۱
	زیبایی و هارمونی طبیعت	نالۀ موزون مرغ	خوشایند بودن	هارمونی طبیعت، نالۀ موزون مرغ است.	۱۱
	برگ درختان	ورق	شناخت / معرفت	برگ درختان، ورق است.	۱۱
	ورق	دفتر	آگاهی دهنده‌گی	ورق دفتر است.	۱۱
	ذکر و یاد خدا	آواز خوانی قمری و بلبل	ارتباط عمیق داشتن	آواز خوانی قمری و بلبل، نشانه‌ای برای ذکر خداست.	۱۱
	رنج فرد سیلی خورده	نوشتن روی شن	ناپایداری	رنج فرد سیلی خورده، نوشتن روی شن است.	۱۳
	محبت	حک کردن روی سنگ	پایداری / ماندگاری	محبت، حک کردن روی سنگ است.	۱۳
	فراموشی	باد	گذرا بودن	فراموشی و گذرا بودن، باد است.	۱۳
	چالش‌ها و سختی‌های زندگی	بیابان	سختی	چالش‌های زندگی، بیابان است.	۱۳

درس دوم: پنجره‌های شناخت حکایت: هدهد	وحدت در آفرینش	هم خانواده بودن کلمات خالق، خلق و خلقت	مشترک بودن	وحدت در آفرینش، هم‌خانواده بودن است.	۱۴
	کلمات حامل معنا	دانش آموز	وظیفه داشتن	کلمه، دانش آموز است.	۱۴
	دیدگاه متفاوت درباره آفرینش	پنج پنجره / پنج گروه	تنوع	دیدگاه متفاوت داشتن درباره آفرینش، پنج پنجره است.	۱۶
	تفکر انتقادی	پنج پنجره	تفکر کردن	تفکر انتقادی، پنجره است.	۱۶
	موقعیت خطرناک و وسوسه انگیز	دام	دردسر	موقعیت خطرناک، دام است.	۲۰
	گرفتاری و مشکلات ما	به دام افتادن هدهد	طمع و غرور	گرفتاری ما به دام افتادن هدهد است.	۲۰
	مغرور بودن باعث گرفتاری	هدهد	نقطه ضعف	مغرور بودن، هدهد است.	۲۰
	تجربه و خرد / راهنما	پیرزن	آگاهی	تجربه و خرد / راهنما، پیرزن است.	۲۱
	وسوسه و طمع	دانه	گرفتاری	وسوسه و طمع، دانه است.	۲۲
	محبت	ماده	اندازه داشتن	محبت، ماده است.	۱۸
	محبت	میز	پایه داشتن	محبت میز است.	۱۸
	سینه	خانه	پناهگاه / مأمن	سینه خانه است.	۱۸
	دل	سرا	پناهگاه / مأمن	دل سراسر است.	۱۸
	هدیه دادن / قربانی کردن	جهان	فدا کردن همه چیز / نهایت احترام	جهان، هدیه است.	۱۸

۲۶	درک شهودی / غریزه	باز	کمک کردن	درک شهودی، باز است.
۲۶	حقیقت / زندگی	آب	زالال / صاف	زندگی / حقیقت، آب است.
۲۶	موانع / چالش‌ها	کوه	سختی	مانع، کوه است.
۲۸	خطر	اژدها	مشکل	خطر اژدها است.
۲۸	نیاز / میل	تشنگی پادشاه	عطش	نیاز، تشنگی است.
۲۸	سرکوب درک شهودی	کشتن باز	غفلت	سرکوب درک شهودی، کشتن باز است.
۳۰	سخن	آب	پاکی و زلالی	سخن، آب است.
۳۰	سخن	ماده	کم گفتن	سخن، ماده است.
۳۰	پُر حرفی	پُر خوری	اذیت شدن / به ستوه آمدن	پُر حرفی، پُر خوری است.
۳۰	کم حرفی / گزیده‌گویی	دُر / مروارید	ارزشمند بودن	گزیده‌گویی، دُر است.
۳۰	سخن ارزشمند	دُر	با ارزش بودن	سخن ارزشمند، دُر است.
۳۰	سخن بی‌ارزش	خشت	بی‌ارزش بودن	سخن بی‌ارزش، خشت است.
۳۰	سخن کم و گزیده	گل خوشبو	زیبا و اثرگذار بودن	سخن کم و گزیده، گل خوشبوست.
۳۰	سخن زیاد و بی‌ارزش	گیاه	بی‌هوده بودن	سخن زیاد و بی‌ارزش، گیاه است.

درس سوم: هوشیاری

درس چهارم: داستان من و شما	حکایت: علم و عمل	زبان فارسی	موجود زنده	پویایی	زبان فارسی، موجود زنده است.	۳۲
		زبان فارسی	میراث فرهنگی	افتخار	زبان فارسی، میراث فرهنگی است.	۳۲
		زبان فارسی	پناهگاه بزرگان	همراهی	زبان فارسی، پناهگاه است.	۳۲
		زبان فارسی	اتحاد	یکی بودن	زبان فارسی، اتحاد است.	۳۲
		زبان فارسی	شناسنامه	شناخت	زبان فارسی، شناسنامه است.	۳۳
		ادب	نور	روشنایی بخش	ادب، نور است.	۳۶
		دانش	درخت	فایده داشتن	دانش، درخت است.	۳۶
		نیکوکاری	میوه	ارزشمند	نیکوکاری، میوه است.	۳۶
		تجربه‌اندوزی	عامل رهانده از چهل و نابودی	نجات	تجربه‌اندوزی، رهانده است.	۳۶
		عمل نیک	خورشید	شکوه	عمل نیک، خورشید است.	۳۶
درس پنجم: هفت خان رستم	حکایت: دوستان	علم بی‌عمل	زهر	فایده نداشتن	علم بی‌عمل، زهر است.	۳۶
		گذشتن از دشواری	هفت خان	سختی	گذشتن از دشواری، هفت خان است.	۳۸
		خون	رود	جاری شدن	خون، رود است.	۳۸
		کمند	باد	سریع بودن	کمند، باد است.	۳۸
		اسیر شدن	بند	ناتوانی	اسیر شدن، بند است.	۳۸
		سرعت رخس	آذرگشسب	سریع بودن	سرعت رخس، آذرگشسب است.	۳۹
		رستم	شیر	شجاع بودن	رستم، شیر است.	۳۹
		تطهیر جسم و روح	شستن سر و تن	پاکیزه بودن	تطهیر جسم و روح، شستن سر و تن است.	۳۹
		غریبی	مکان ناآشنا	سردرگم بودن	غریبی، مکان ناآشناست.	۴۳
		دوستی	پل	عبور از موانع	دوستی، پل است.	۴۴

۵۰	وطن، سلام است.	سلامتی	سلام	وطن
۵۰	وطن، سرود است.	شادمانی	سرود	وطن
۵۰	وطن، نگهبان است.	محافظت کننده	نگهبان	وطن
۵۰	وطن، غم است.	احساس	غم	وطن
۵۰	وطن، شادی است.	احساس	شادی	وطن
۵۰	وطن، آزادی است.	آزادگی	آزادی	وطن
۵۰	وطن، دلیل زنده بودن است.	حیات / زندگی	دلیل زنده بودن	وطن
۵۰	وطن، دلیل زنده ماندن است.	مایه حیات / زندگی	دلیل زنده ماندن	وطن
۵۰	وطن، جان پناه است.	پناهگاه	جان پناه	وطن
۵۰	وطن، رویش در بهاران است.	سرسبزی و نشاط	رویش در بهاران	وطن
۵۰	وطن، جان است.	مایه حیات	جان	وطن
۵۰	وطن، بوی عطر گل است.	خوشبو بودن	بوی عطر گل	وطن
۵۰	وطن، سرسبزی چمن است.	سرسبز بودن	سبزی چمن	وطن
۵۱	وطن، شعر حافظ است.	حکمت و زیبایی	شعر حافظ	وطن
۵۱	وطن، آواز قناری است.	آزادی، زیبایی و موسیقی	آواز قناری	وطن
۵۱	وطن، یاد خوشترین هاست.	شیرین بودن	یاد خوشترین‌ها	وطن
۵۱	وطن باران بهاری است.	سرسبزی، طروات و زنده شدن	باران بهاری	وطن
۵۱	دوری از وطن، غم در مرگ مادر است.	درد و وابستگی	غم در مرگ مادر	وطن
۵۱	وطن، کوه غصه است.	جانکاه بودن	کوه غصه	وطن
۵۱	غصه کوه است.	سنگین و زیاد بودن	کوه	غصه
۵۱	وطن، سرباز عاشق است.	فداکاری و شجاعت	سربازان عاشق	وطن
۵۱	وطن، قهرمان قصه است.	فداکاری و شجاعت	قهرمان قصه	وطن
۵۱	وطن، آواز بلند است.	شکوه و عظمت	آواز بلند	وطن
۵۱	وطن، خاک است.	وفادار و پابرجا	خاک	وطن
۵۳	افراد مهم یا حیاتی زندگی، غذاست.	ضروری بودن	غذا	افراد مهم یا حیاتی زندگی
۵۳	افراد حامی / شرایط خاص، داروست	کمک	دارو	افراد حامی / افرادی که در شرایط خاص انسان نیاز دارد.
۵۳	فرد مضر، بیماری است.	آسیب	بیماری	افراد مضر

درس ششم: ای وطن حکایت: انواع مردم

همه از خاک پاک ابرائیم	درس نهم: درس آزاد	وطن	دبستان	مکان یادگیری و پرورش	وطن دبستان است.	۵۶
		وطن	مادر	به وجود آمدن	وطن مادر است.	۵۶
		وطن	برادر	پیوند عمیق و عاطفی داشتن	وطن برادر است.	۵۶
		مردم	جسم و جان	وحدت و همبستگی	مردم وطن، جسم و جان هستند.	۵۶
		حبّ الوطن	درس	یاد گرفتن و پرورش دادن	حب الوطن، درس است.	۵۶
درس هشتم: دریاقلی		اراده قوی دریاقلی	دریا	خروشان	دریاقلی، دریاست.	۶۰
		عاشقان	پرندگان	روحي رها و آزاد داشتن / شوق وصال داشتن	عاشقان، پرندگان هستند.	۶۴
		دنیا	قفس	در بند بودن	دنیا قفس است.	۶۴
		عشق	آواز	رهایی	عشق آواز است.	۶۴
		هجر	زهر	تلخ بودن	هجر، زهر است.	۷۰
درس نهم: رنج‌هایی کشیده‌ام که میرس		لب	گلدان	شادابی	لب، گلدان است.	۷۲
		بهشت	بازار	پاداش / لذت و سعادت	بهشت، بازار است.	۷۲
		نام خدا	گیاه	حضور مداوم	نام خدا، گیاه است.	۷۲
		طلب	خاک	نیاز	طلب، خاک است.	۷۲
		دعا	بذر	کاشتن	دعا بذر است.	۷۲
		اجابت	باران	رحمت	اجابت، باران است.	۷۲
		تن	فرش	گستردن	تن فرش است.	۷۲
		علم	درخت	ثمردهی	علم، درخت است.	۷۷
		معنی	شاخه	ثمر داشتن	معنی شاخه است.	۷۷
		علم	آفتاب	روشنایی بخش	علم آفتاب است.	۷۷
درس دهم: عطار و جلال‌الدین محمد	حکایت: درخت	علم	بحر	وسیع و عمیق	علم بحر است.	۷۷
		علم	سحاب	رحمت	علم سحاب است.	۷۷
		شهدا	خورشید	عظمت و روشنایی	شهدا خورشیدند.	۷۸
		شهدا	گل شقایق	سرخ بودن	شهدا، گل شقایقند.	۷۸
		شهید	چراغ	منبع هدایت	شهید چراغ است.	۷۸
		شهید	داستان	حادثه و زیبایی	شهید داستان است.	۷۸
		شهید	نمره بیست	ارزش و موفقیت	شهید نمره بیست است.	۷۸
		قلب	دفتر	ماندن	قلب، دفتر است.	۷۸
		درس یازدهم: شهدا خورشیدند				

درس دوازدهم: دوستی	تدبیر ده تنه (مشاوره)	زور ده مرده	قوی شدن	تدبیر ده تنه، زور ده مرده است.	۸۵
	حضرت علی (ع)	شیر خدا	شجاع بودن	حضرت علی (ع)، شیر خداست.	۸۸
	حضرت علی (ع)	شاه عرب	عظمت و شکوه	حضرت علی (ع) شاه عرب است.	۸۸
	شب	انسان	آگاه / رازدار / شنیدن	شب انسان است.	۸۸
	عشق ازلی	چشمه	جوشیدن	عشق ازلی چشمه است.	۸۸
	مسجد کوفه	انسان	مدهوش بودن	مسجد کوفه انسان است.	۸۸
	در / حلقه در	انسان	دامن گرفتن	در / حلقه در انسان است.	۸۸
	عالم	انسان	جان داشتن	عالم، انسان است.	۸۸
	کلام امام علی (ع)	دُر	ارزشمند و گرانبها بودن	کلام امام علی (ع)، دُر است.	۸۸
درس سیزدهم: آزاد حکایت: عمر گرانمایه	فجر	موجود زنده	روشنایی و ظهور	فجر، موجود زنده است.	۸۸
	وابستگی به قدرت و ثروت	خدمت به سلطان	عدم استقلال / وابستگی	وابستگی، خدمت به سلطان است.	۹۲
	خودکفایی / بلند همتی	نان خوردن به زور بازو	استقلال	بلند همتی، نان خوردن به زور بازوست.	۹۲
	شرافت	کار سخت	مشقت	شرافت، کار سخت است.	۹۲
	مذلت / از دست دادن عزت	به دیگران خدمت کردن	وابستگی	مذلت، به دیگران خدمت کردن است.	۹۲
درس چهاردهم: راز زندگی	بلند همتی	به دست آهن تفتنه خمیر کردن	مناعت طبع داشتن	بلند همتی، به دست آهن تفتنه خمیر کردن است.	۹۲
	غنچه	انسان	دل داشتن	غنچه انسان است.	۹۳
	گل	انسان	خندیدن	گل انسان است.	۹۳
	زندگی	انزوا / گوشه‌گیری	منفعل بودن	زندگی انزوا / گوشه‌گیری است.	۹۳
	زندگی	شکفتن (گل)	شکفتن، رشد و تحول	زندگی گل است.	۹۳
	زندگی	سخن (راز گفتن)	سری و مرموز بودن	زندگی سخن (راز)، است.	۹۳
	باتجربه بودن	یکی دو پیرهن بیشتر پاره کردن	گذرانیدن مراحل مختلف	باتجربه بودن، یکی دو پیرهن بیشتر پاره کردن است.	۹۳

درس یازدهم: میوه هنر	هنر	میوه	مفید بودن	هنر میوه است.	۹۸
	تبر	ظالم (انسان)	ظلم کردن / بریدن	تبر، ظالم است.	۹۸
	سپیدار	انسان	بی‌ثمری و ناتوانی	سپیدار، انسان است.	۹۸
	بی‌ثمری / عدم بهره‌وری	هیزم	بی‌ارزش بودن / فایده نداشتن	بی‌ثمری، هیزم است.	۹۸
	شرایط سخت	تنور	درد و رنج	شرایط سخت، تنور است.	۹۸
	درد و رنج	آتش	سختی / سوختن	درد و رنج، آتش است.	۹۸
	دانش و حکمت	میوه	بازرزش بودن / مفید بودن	دانش و حکمت، میوه انسان است. (۲ بار)	۹۸
	انسان	درخت	بار دادن	انسان درخت است. (۲ بار)	۹۸
	ادبار	آتش	سختی / سوختن	ادبار، آتش است.	۹۸
	شعله	انسان	نتیجه اعمال	شعله، انسان است.	۹۸
	انسان	درخت	بارور بودن	انسان، درخت است.	۹۸
	هنر	میوه فروش (انسان)	عرضه و ارائه	هنر، میوه فروش است.	۹۸
به گیتی، به از راستی، پیشه نیست	دروغ	شیء گرد	احاطه شدن توسط تاریکی و گمراهی	دروغ، شیء گرد است.	۱۰۴
	کاستی	انسان	نیامدن	کاستی، انسان است.	۱۰۴
	کار	ظرف	راه پیدا نکردن	کار، ظرف است.	۱۰۴
	راستی	خانه	داشتن در / باز بودن	راستی، خانه است.	۱۰۴
	کاستی	خانه	داشتن در	کاستی، خانه است.	۱۰۴
درس هفدهم: ستاره روشن	بزرگمهر	ستاره روشن	هدایتگری	بزرگمهر، ستاره روشن است.	۱۰۶
	خوی نیک	هدیه خداوند		خوی نیک، هدیه خداوند است.	۱۰۷
	خوی بد	بند گران	رنج	خوی بد، بند گران است.	۱۰۷
	برگ درختان	ورق	شناخت / معرفت	برگ درختان، ورق است.	۱۱۲
	ورق	دفتر	آگاهی دهنده	ورق دفتر است.	۱۱۲
نیایش	خداوند	پادشاه	قدرت	خداوند پادشاه جهان است.	۱۱۴
	خداوند	پناهگاه	امن و مطمئن	خداوند پناهگاه است.	۱۱۴
	خرد	بینایی	روشنایی	خرد، بینایی است.	۱۱۴
	هدایت	چراغ	راهنمایی	هدایت، چراغ است.	۱۱۴
	جهان	اثر هنری	ظرافت / زیبایی	جهان، اثر هنری است.	۱۱۴

همان‌طوری که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، در فارسی ششم ابتدایی، ۱۷۴ بار از عنصر استعاره برای تفهیم هرچه بهتر مفاهیم ناملموس استفاده شده است. تنوع حوزه‌های مقصد مورد توجه در متن کتاب ۹۶ مورد و تنوع حوزه‌های مبدا برای عینی کردن این مفاهیم ۱۱۷ مورد بوده است. بنابر این از مفاهیم ملموس متعددی برای نمایاندن مفاهیم انتزاعی مد نظر کتاب بهره گرفته شده است. در میان مفاهیم مطرح در حوزه مقصد «وطن»، «دانش و آگاهی و ...»، «سخن»، «عشق»، «دنیا»، «زبان فارسی» و «انسان» به ترتیب با ۲۶، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۵ و ۴ بار بیشتر از سایر مفاهیم مورد توجه بوده‌اند. مفاهیم دیگر از جمله «جان» و «زندگی» هر یک با ۳ بسامد، «خداوند، دل، برگ، ورق، رنج، سختی، خطر، تجربه‌اندوزی، حضرت علی (ع)، بلندهمت، گل، هنر، کاستی و خوی و خصلت» هر یک با ۲ بسامد و سایر مفاهیم تنها با ۱ بسامد به کمک مفاهیم شناخته شده‌تر حوزه مبدا تفهیم شده‌اند؛ در این خصوص مفاهیم ملموسی همچون «انسان»، «نور»، «ناله و آواز»، «باد»، «خانه»، «درخت» و «میوه» به ترتیب با ۱۰، ۷، ۶، ۴، ۴ و ۴ بار تکرار، بیشتر از سایر مفاهیم حوزه مبدا مورد توجه بوده‌اند. همچنین «دام»، «مرورید»، «پناهگاه» و «آفتاب» هر کدام با ۳ بار تکرار، «ورق، دفتر، پنج‌پنجره، دانه، ماده، آب، گل، موجود زنده، زهر، شیر، غم، دلیل زنده بودن، باران، کوه، خاک، شاه و خدمت به سلطان» هر کدام با ۲ بسامد و دیگر مفاهیم این حوزه با ۱ بسامد، به کار رفته‌اند. آمار ارائه شده نشان می‌دهد که هیچ کدام از مفاهیم حوزه‌های مقصد و مبدا مورد نظر کتاب، بسامد بالایی ندارند و به کارگیری نمونه‌ها، در بیشتر موارد از ۱۰ بار فراتر نمی‌رود. همچنین مطابق با جدول شماره ۲، پراکندگی استعاره‌ها به تفکیک هر یک از ۱۷ درس کتاب، از نظمی منطقی برخوردار نیست؛ به شکلی که در درس ششم از ۲۷ و در درس هشتم تنها از ۴ استعاره استفاده شده است. بنابر این، می‌توان گفت که بهره‌گیری از عنصر استعاره در تفهیم مفاهیم ناملموس برای دانش‌آموزان مورد توجه مؤلفان نبوده و به کارگیری نمونه‌های یافت شده در فارسی ششم آگاهانه و با در نظر گرفتن جایگاه آموزشی استعاره برای درک بهتر مفاهیم ناملموس همراه نبوده است. جدول زیر پراکندگی استعاره‌ها به تفکیک هر درس را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: فراوانی استعاره‌ها به تفکیک هر درس

درس اول	۲۵ استعاره	درس دهم	۵ استعاره
درس دوم	۱۴ استعاره	درس یازدهم	۶ استعاره
درس سوم	۱۴ استعاره	درس دوازدهم	۱۰ استعاره
درس چهارم	۱۱ استعاره	درس سیزدهم	۵ استعاره
درس پنجم	۹ استعاره	درس چهاردهم	۶ استعاره
درس ششم	۲۷ استعاره	درس پانزدهم	۱۲ استعاره
درس هفتم	۵ استعاره	درس شانزدهم	۵ استعاره
درس هشتم	۴ استعاره	درس هفدهم	۱۰ استعاره
درس نهم	۸ استعاره		

۱۷۴ استعاره به کار رفته در فارسی ششم ابتدایی را می‌توان ذیل ۱۲ کلان استعاره «مکان، انسان، نور، تاریکی، گیاه، غذا، حیوان، عناصر طبیعت، حرفه و کار، اشیاء، سفر و مفاهیم شناخته شده‌تر» دسته‌بندی کرد. در جدول شماره ۳، هر یک از استعاره‌های خرد، ذیل کلان استعاره مربوط به خود نوشته شده است و در آن به وضوح میزان استفاده از هر کلان استعاره دیده می‌شود. داده‌های ارائه شده در این جدول بیانگر آن است که بیشترین کلان استعاره به کار رفته در کتاب، شامل چه مواردی می‌شود و آیا این کلان استعاره‌ها از پتانسیل کافی برای عینی‌کردن مفاهیم انتزاعی برخوردار هستند؟ به جدول زیر توجه کنید:

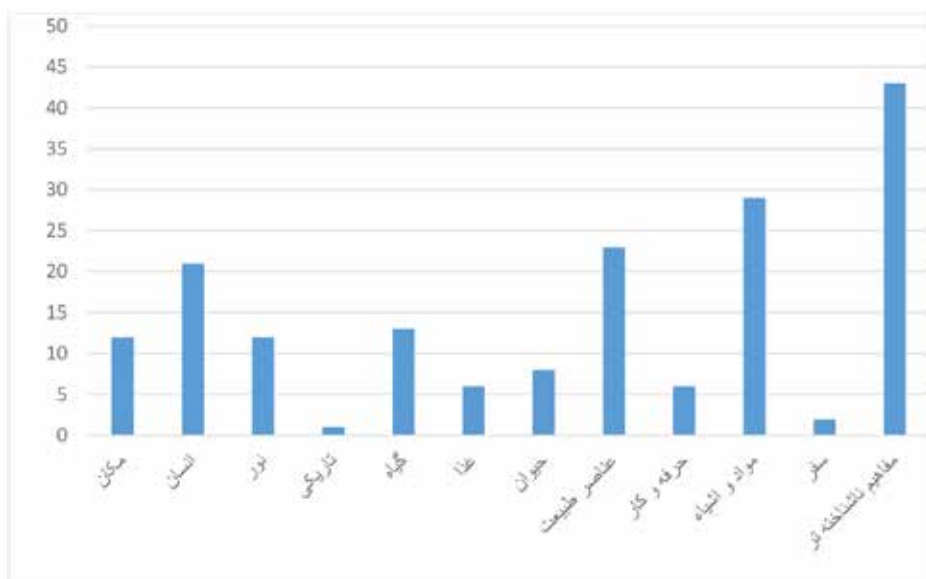
جدول شماره ۳: جدول کلان استعاره‌ها و خرد استعاره‌های «فارسی» پایه ششم ابتدایی

ردیف	کلان استعاره	خرد استعاره
۱	مفاهیم به مثابه مکان	وجود انسان، گلشن است ص ۸ / نو شدن، مرغزار است. ص ۱۱ / زندگی، بیابان است. ص ۱۳ / دل سراسر است. ص ۱۸ / راستی، خانه است. ص ۱۰۴ / سینه خانه است. ص ۱۸ / کاستی، خانه است. ص ۱۰۴ / وطن، جان‌پناه است. ص ۵۰ / خداوند پناهگاه است. ص ۱۱۴ / زبان فارسی، پناهگاه است. ص ۳۲ / غریبی، مکان ناآشناست. ص ۴۳ / بهشت، بازار است. ص ۷۲.
۲	مفاهیم به مثابه انسان	شب انسان است. ص ۸۸ / جان، انسان است. ص ۸ / مسجد کوفه انسان است. ص ۸۸ / دریا حلقه در انسان است. ص ۸۸ / عالم، انسان است. ص ۸۸ / گل انسان است. ص ۹۳ / غنچه انسان است. ص ۹۳ / کاستی، انسان است. ص ۱۰۴ / شعله، انسان است. ص ۹۸ / سپیدار، انسان است. ص ۹۸ / تبر، ظالم است. ص ۹۸ / کلمه، دانش آموز است. ص ۱۴ / تجربه و خرد/راهنما، پیرزن است. ص ۲۱ / تجربه اندوزی، رهاننده است. ص ۳۶ / وطن مادر است. ص ۵۶ / وطن برادر است. ص ۵۶ / خداوند پادشاه جهان است. ص ۱۱۴ / حضرت علی (ع) شاه عرب است. ص ۸۸ / وطن، نگهبان است. ص ۵۰ / وطن، قهرمان قصه است. ص ۵۱ / وطن، سرباز عاشق است. ص ۵۱.
۳	مفاهیم به مثابه نور و روشنایی	معرفت خدا، نور است. ص ۱۱ / ادب، نور است. ص ۳۶ / بزرگمهر، ستاره روشن است. ص ۱۰۶ / شهدا خورشیدند. ص ۷۸ / عمل نیک، خورشید است. ص ۳۶ / علم آفتاب است. ص ۷۷ / جهان، فروغ نور حق است. ص ۸ / دل، چراغ است. ص ۸ / جان، نور است. ص ۸ / هدایت، چراغ است. ص ۱۱۴ / شهید چراغ است. ص ۷۸ / سرعت رخس، آذرگشسب (آتشکده) است. ص ۳۹.
۴	مفاهیم به مثابه تاریکی و ظلمت	نیندیشیدن به آفرینش خدا، تاریکی است. ص ۱۱.
۵	مفاهیم به مثابه گیاه	زندگی گل است. ص ۹۳ / شهدا، گل شقایقند. ص ۷۸ / سخن کم و گزیده، گل خوشبوست. ص ۳۰ / سخن زیاد و بی‌ارزش، گیاه است. ص ۳۰ / علم، درخت است. ص ۷۷ / وسوسه و طمع، دانه است. ص ۲۲ / دعا بذر است. ص ۷۲ / انسان، درخت است. ص ۹۸ / انسان درخت است. (۲ بار)، ص ۹۸ / دانش، درخت است. ص ۳۶ / نام خدا، گیاه است. ص ۷۲ / معنی شاخه است. ص ۷۷.

۶	مفاهیم به مثابه غذا	افراد مهم یا حیاتی زندگی، غذا هستند. ص ۵۳ / دانش و حکمت، میوه انسان است. (۲) بار)، ص ۹۸ / پر حرفی، پر خوری است. ص ۳۰ / نیکوکاری، میوه است. ص ۳۶ / افراد حامی / شرایط خاص، دارو هستند. ص ۵۳.
۷	مفاهیم به مثابه حیوان	مغرور بودن، هدهد است. ص ۲۰ / درک شهودی، باز است. ص ۲۶ // خطر ازدها است. ص ۲۸ / فجر، موجود زنده است. ص ۸۸ / زبان فارسی، موجود زنده است. ص ۳۲ / گرفتاری ما به دام افتادن هدهد است. ص ۲۰ / حضرت علی(ع)، شیر خداست. ص ۸۸ / عاشقان، پرندگان هستند. ص ۶۴.
۸	مفاهیم به مثابه عناصر طبیعت	طلب، خاک است. ص ۷۲ / آدم، خاک است. ص ۸ / وطن، خاک است. ص ۵۱ / سخن بی‌ارزش، خشت است. ص ۳۰ / مانع، کوه است. ص ۲۶ / غصه کوه است. ص ۵۱ / وطن، کوه غصه است. ص ۵۱ / کلام امام علی (ع)، دُر است. ص ۸۸ / گزیده‌گویی، دُر است. ص ۳۰ / سخن ارزشمند، دُر است. ص ۳۰ / علم سحاب است ص ۷۷ / تغییر و تحول، باد ربیع است. ص ۱۱ / فراموشی و گذرا بودن، باد است. ص ۱۳ / کمند، باد است. ص ۳۸ / زندگی یا حقیقت، آب است. ص ۲۶ / سخن، آب است. ص ۳۰ / خون، رود است عشق ازلی چشمه است. ص ۸۸ / اجابت، باران است. ص ۷۲ / وطن باران بهاری است. ص ۵۱ / علم بحر است. ص ۷۷ / دریاقُلی، دریاست. ص ۶۰ / درد و رنج، آتش است. ص ۹۸ / ادبار، آتش است. ص ۹۸.
۹	مفاهیم به مثابه مهارت و حرفه و کار	شرافت، کار سخت است. ص ۹۲ / تطهیر جسم و روح، شستن سر و تن است. ص ۳۹ / هنر، میوه فروش است. ص ۹۸ / باتجربه بودن، یکی دو پیرهن بیشتر پاره کردن است. ص ۹۳ / بلند همتی، به دست آهن تخته خمیر کردن است. ص ۹۲ / سرکوب درک شهودی، کشتن باز است. ص ۲۸.
۱۰	مفاهیم به مثابه مواد و اشیاء	سخن، ماده است. ص ۳۰ / محبت، ماده است. ص ۱۸ / دروغ، شیء گرد است. ص ۱۰۴ / بی‌ثمری، هیزم است. ص ۹۸ / دیدگاه متفاوت داشتن درباره آفرینش، پنج پنجره است. ص ۱۶ / تفکر انتقادی، پنجره است. ص ۱۶ / محبت میز است. ص ۱۸ / لب، گلدان است. ص ۷۲ / دنیا قفس است. ص ۶۴ / تن فرش است. ص ۷۲ / قلب، دفتر است. ص ۷۸ / عالم، کتاب حق تعالی است. ص ۸ / برگ درختان، ورق است. (۲) بار)، ص ۱۱ و ۱۱۲ / ورق دفتر است. (۲) بار)، ص ۱۱ و ۱۱۲ / زبان فارسی، شناسنامه است. ص ۳۳ / خوی نیک، هدیه خداوند است. ص ۱۰۷ / شرایط سخت، تنور است. ص ۹۸ / هجر، زهر است. ص ۷۰ / علم بی‌عمل، زهر است. ص ۳۶ / کار، ظرف است. ص ۱۰۴ / جان، ظرف است. ص ۸ / جهان، اثر هنری است. ص ۱۱۴ / خوی بد، بند گران است. ص ۱۰۷ / اسیر شدن، بند است. ص ۳۸ / دوستی، پل است. ص ۴۴ / موقعیت خطرناک، دام است. ص ۲۰.
۱۱	مفاهیم به مثابه سفر	معرفت خدا، صراط مستقیم است. ص ۱۱ // عدم شناخت خدا، گمراهی است. ص ۱۱.

۱۲	مفاهیم به مثابه مفاهیم شناخته شده‌تر	وحدت در آفرینش، هم خانواده بودن است. ص ۱۴ / کلمات خانواده هستند. ص ۱۵ / وطن، آواز بلند است. ص ۵۱ / وطن، آواز قناری است. ص ۵۱ / فصل بهار، آوازخوانی پرندگان است. ص ۱۱ / هارمونی طبیعت، ناله موزون مرغ است. ص ۱۱ / عشق آواز است. ص ۶۴ / وطن، سلام است. ص ۵۰ / وطن، سرود است. ص ۵۰ / فرد مضّر، بیماری است. ص ۵۳ / رنج فرد سیلی خورده، نوشتن روی شن است. ص ۱۳ / محبت، حک کردن روی سنگ است. ص ۱۳ / نیاز، تشنگی است. ص ۲۸ / زبان فارسی، اتحاد است. ص ۳۲ / وطن، یاد خوشترین هاست. ص ۵۱ / بلند همتی، نان خوردن به زور بازوست. ص ۹۲ / تدبیر ده تنه (مشاوره)، زور ده مرده است. ص ۸۵ / مذلت، به دیگران خدمت کردن است. ص ۹۲ / وابستگی، خدمت به سلطان است. ص ۹۲ / زبان فارسی، میراث فرهنگی است. ص ۳۲ / وطن، دلیل زنده بودن است. ص ۵۰ / وطن، دلیل زنده ماندن است. ص ۵۰ / زندگی انزوا / گوشه گیری است. ص ۹۳ / شهید نمره بیست است. ص ۷۸ / شهید داستان است. ص ۷۸ / زندگی سخن (راز)، است. ص ۹۳ / جهان، هدیه است. ص ۱۸ / خرد، بینایی است. ص ۱۱۴ / گذشتن از دشواری، هفت خان است. ص ۳۸ / وطن، غم است. ص ۵۰ / وطن، شادی است. ص ۵۰ / وطن، آزادی است. ص ۵۰ / حب الوطن، درس است. ص ۵۶ / وطن دبستان است. ص ۵۶ / وطن، رویش در بهاران است. ص ۵۰ / وطن، بوی عطر گل است. ص ۵۰ / وطن، سرسبزی چمن است. ص ۵۰ / مردم وطن، جسم و جان هستند. ص ۵۶ / وطن، جان است. ص ۵۰ / آواز خوانی قمری و بلبل، ذکر خداست. ص ۱۱ / باد، تحرک است. ص ۱۱ / وطن، شعر حافظ است. ص ۵۱ / دوری از وطن، غم در مرگ مادر است. ص ۵۱
----	---	---

با توجه به داده‌های جدول شماره ۳، کلان استعاره «مفاهیم شناخته‌شده‌تر»، «مواد و اشیاء»، «عناصر طبیعت» و «انسان» به ترتیب با ۴۳، ۲۹، ۲۳ و ۲۱ خرد استعاره، بیشترین نمونه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین کلان استعاره «تاریکی» و «سفر» با ۱ و ۲ خرد استعاره، کمترین نمونه‌ها را در بر دارند. ذکر این نکته ضرورت دارد که با توجه به رده سنی دانش‌آموزان ششم ابتدایی هرچه حوزه‌های مبدا به کارگرفته شده زود فهم‌تر و عینی‌تر باشند درک مفاهیم حوزه مقصد برای آن‌ها آسان‌تر خواهد بود، لکن در فارسی ششم، کلان استعاره «مفاهیم کم‌تر شناخته شده» با ۴۳ نمونه بیشتر از سایر کلان استعاره‌ها به کار گرفته شده است و این امر از سرعت درک مفاهیم انتزاعی توسط دانش‌آموزان پایه ششم می‌کاهد. زیرا با توجه به رده سنی دانش‌آموزان، استعاره‌هایی که مبدا آن‌ها از حوزه‌های کاملاً عینی باشد (مانند اشیاء ملموس یا طبیعت ساده)، سریع‌تر درک می‌شوند؛ توجه به مراحل رشد شناختی در دیدگاه پیاژه نیز که سنین ۷ تا ۱۱ سالگی را مرحله عملیات عینی و محسوس می‌داند (علی‌زاده بیگدیلو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴۶)، بر همین امر تأکید دارد. بنابراین، اگر بیشترین حجم استعاره‌ها به مفاهیمی ارجاع شده باشد که خود نسبتاً انتزاعی هستند (حتی اگر «شناخته‌شده‌تر» باشند)، این امر سرعت درک مفاهیم پیچیده‌تر را کاهش می‌دهد. در نمودار زیر، بسامد خرد استعاره‌های به کار رفته در ذیل هریک از کلان استعاره‌ها، در نسبت با کلان استعاره‌های دیگر به خوبی به نمایش در آمده است:



نمودار شماره ۱: بسامد خرد استعاره‌های به کار رفته در ذیل هر یک از کلان استعاره‌ها

بحث

یافته‌های پژوهش نشان دادند که در کتاب فارسی پایه ششم ابتدایی، در مجموع ۱۷۴ استعاره مفهومی به کار رفته است. این استعاره‌ها شامل ۹۶ حوزه مقصد و ۱۱۷ حوزه مبدأ هستند که نشان‌دهنده تنوع نسبی در استفاده از استعاره‌هاست. با این حال، بررسی جدول‌های مربوط به توزیع استعاره‌ها در ۱۷ درس کتاب نشان داد که پراکندگی استعاره‌ها متوازن نیست؛ برخی درس‌ها تعداد زیادی استعاره دارند، در حالی که در برخی دیگر استعاره‌ها بسیار محدودند. این عدم توازن نشان می‌دهد که استعاره‌ها نه بر اساس نیاز شناختی هر مرحله از یادگیری، بلکه به شکل موردی و به صورت تصادفی و نه آگاهانه به متن اضافه شده‌اند. لذا آن را می‌توان در چارچوب نظریه‌های طراحی آموزشی به مثابه ضعف در نظام‌مندی محتوای درسی تحلیل کرد؛ زیرا تمرکز بیش از حد بر یک حوزه مفهومی، فرصت یادگیری مفاهیم انتزاعی دیگر را کاهش می‌دهد و مانع از ایجاد پیوندهای متنوع شناختی در ذهن دانش‌آموزان می‌شود. از منظر فرهنگی، بسامد بالای کلان استعاره‌های «انسان» و «طبیعت» بازتابی از الگوهای فرهنگی ادبی زبان فارسی است که در کتاب‌های درسی انعکاس یافته است. این بازتاب فرهنگی هرچند به تقویت هویت زبانی و پیوند با سنت ادبی کمک می‌کند؛ اما ممکن است درک دانش‌آموزان از مفاهیم علمی و انتزاعی را محدود سازد. از منظر شناختی نیز می‌توان گفت که دانش‌آموزان پایه ششم در مرحله‌ای از رشد ذهنی قرار دارند که درک مفاهیم انتزاعی برایشان دشوار است؛ بنابراین استفاده نظام‌مند از استعاره‌ها می‌تواند به ارتقای توانایی آنان در رمزگذاری و بازیابی مفاهیم کمک کند. مقایسه با پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که یافته‌های حاضر هم‌راستا با نتایج صائمین و همکاران (۱۴۰۱) است که در کتاب فارسی پایه چهارم، بسامد بالای استعاره‌های

زمان در مکان را گزارش کردند. با این حال، پژوهش حاضر علاوه بر تأیید این نکته، به عدم توازن در سایر حوزه‌های استعاره‌ی نیز اشاره کرده است؛ موضوعی که در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. همچنین یافته‌های زندی و همکاران (۱۳۹۴) درباره‌ی استعاره‌های کارکردی در کتاب‌های فارسی ابتدایی نشان می‌دهد که استعاره‌ها به‌طور گسترده به کار رفته‌اند، اما همانند پژوهش حاضر، کمتر به تأثیر واقعی آن‌ها بر یادگیری پرداخته شده است. در پژوهش شریفی و حامدی (۱۳۹۵) نیز نقش استعاره‌ها در درک مفاهیم انتزاعی ادبیات کودک تأیید شد، اما محدودیت نمونه (ده داستان خاص) مانع از تعمیم نتایج شد. پژوهش حاضر با تحلیل کل کتاب فارسی ششم، تصویری جامع‌تر ارائه می‌دهد و جایگاه استعاره‌های مفهومی در آموزش رسمی را روشن‌تر می‌سازد. در مجموع، یافته‌های جدول‌ها نشان می‌دهند که هرچند تنوع استعاره‌ها در کتاب فارسی ششم قابل توجه است، اما پراکندگی نامتوازن آن‌ها و تمرکز بر کلان‌استعاره‌های خاص، ضرورت بازنگری در طراحی آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی را برجسته می‌سازد. این نتایج نشان می‌دهد که استعاره‌ها باید نه تنها به‌عنوان ابزار زبانی، بلکه به‌عنوان ابزار شناختی و تربیتی نظام‌مند در آموزش به کار گرفته شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

استعاره مفهومی که بر روی تناظرهای معنایی دو حوزه مبدأ و مقصد متمرکز است ابزاری بسیار کارآمد برای تفهیم یک مفهوم انتزاعی یا کمتر شناخته شده است. تفهیم بهتر و آسان‌تر مفاهیم ناملموس به کمک استعاره، مهم‌ترین ویژگی این نظریه محسوب می‌شود. توجه به این نکته و تمرکز بر استفاده از آن در امر آموزش برای کودکان می‌تواند به تسهیل در امر انتقال مفاهیم مورد نظر مؤلفان در کتاب‌های درسی کمک کند. با توجه به این که مؤلفان کتاب فارسی پایه ششم، در کنار اهداف صرفاً ادبی به نیازهای فرهنگی تربیتی، نیازهای روحی و ارتقای قدرت ادراکی و تشخیصی دانش‌آموزان نیز توجه داشته‌اند؛ بنابراین میزان بهره‌مندی از عنصر استعاره در جهت انتقال مفاهیم انتزاعی در رسیدن به اهداف یاد شده از اهمیت زیادی برخوردار است و استعاره به عنوان ابزاری تفهیمی می‌تواند در رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی، مؤثرتر عمل کند.

در پژوهش پیش‌رو، میزان بهره‌گیری از استعاره در تفهیم مفاهیم انتزاعی کتاب «فارسی» پایه ششم، مورد بحث و مذاقه قرار گرفت و ضمن شناسایی قلمروهای مقصد مورد توجه مؤلفان، قلمروهای مبدأ، تعمیم چندمعنا و نگاشت مربوط به هر یک از استعاره‌ها، به تفکیک هر درس و در قالب جدول شماره یک بیان شد. مطابق با داده‌های مندرج در این جدول پاسخ هریک از پرسش‌های پژوهش بدین قرار است: ۱ بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که مؤلفان ۱۷۴ بار از استعاره برای تبیین مفاهیم مختلف انتزاعی بهره برده‌اند. بنابراین از جهت کمیت، استفاده از استعاره مفهومی در کتاب فارسی پایه ششم در وضعیت مطلوبی قرار دارد. ۲ بسامد تنوع حوزه‌های مقصد به کارگرفته شده ۹۶ و تنوع حوزه‌های مبدأ استفاده شده ۱۱۷ مورد است. بدین ترتیب استعاره‌های موجود در کتاب از تنوع قابل قبولی برخوردار هستند؛ لکن توجه به جدول شماره ۲، آشکارا نشان می‌دهد که پراکندگی استعاره‌ها در هر یک از هفده درس کتاب از تناسبی منطقی برخوردار نیست؛ به طوری که سهم درس هشتم از ۱۷۴ استعاره، ۴ استعاره، درس‌های هفتم، دهم و شانزدهم هرکدام ۵ استعاره، درس‌های یازدهم و چهاردهم هرکدام ۶ استعاره و در مقابل

سهم درس اول ۲۵ و درس ششم ۲۷ استعاره بوده است. آمار استفاده از استعاره در سایر درس‌ها نیز بین ۸ تا ۱۴ استعاره متغیر است. این امر نشان‌گر آن است که مؤلفان در استفاده از استعاره آگاهانه و با علم به ویژگی تفهیمی آن عمل نکرده‌اند؛ به بیان دیگر این عدم توازن در استفاده از ابزار تفهیمی استعاره در نتیجه عدم توجه به کارکرد آموزشی آن صورت پذیرفته است. زیرا در صورت آگاهانه بودن این اقدام، می‌بایست اهمیت استفاده از این ابزار در تمامی درس‌ها طبق آمار به دست آمده مشاهده می‌شد. ۳ استعاره‌های به کار رفته در فارسی ششم ابتدایی، ذیل ۱۲ کلان استعاره بررسی شده‌اند که «مفاهیم شناخته‌شده‌تر» با ۴۳ خرد استعاره، بیشترین نمونه‌ها را به خود اختصاص داده است. با توجه به رده سنی دانش‌آموزان ششم ابتدایی، نکته قابل توجه آن است که هرچه حوزه‌های مبدأ به کارگرفته شده زود فهم‌تر و عینی‌تر باشند درک مفاهیم حوزه مقصد برای آن‌ها آسان‌تر خواهد بود، لکن کلان استعاره «مفاهیم شناخته‌شده‌تر» نسبت به سایر کلان استعاره‌ها عینیت کم‌تری دارند و این امر سرعت درک مفاهیم انتزاعی توسط دانش‌آموزان پایه ششم را پایین می‌آورد.

با عنایت به کارکرد تفهیمی استعاره در آموختن مباحث انتزاعی و توجه به این نکته که استعاره قدرت ادراک ما از جهان را افزایش می‌دهد، بهره‌گیری هدفمند از این امکان در درک هرچه بهتر مفاهیم ناملموس بایستی همواره مورد توجه مؤلفان کتب درسی قرار گیرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود تا با ایجاد توازن در به کارگیری استعاره در همه درس‌ها، به شکلی نظام‌مند از این ابزار تفهیمی استفاده شود، همانند دروس اول و ششم که با به کارگیری قابل توجه استعاره‌ها، الگوی مناسبی در به کارگیری استعاره برای تفهیم هرچه بهتر مفاهیم انتزاعی هستند.

با توجه به محدودیت ما در عدم سنجش درک واقعی دانش‌آموزان از استعاره‌ها، اظهار نظر در خصوص سطح کیفی استعاره‌های موجود در کتب مورد پژوهش از جهت میزان درک آن از جانب دانش‌آموزان ارزیابی نشده است، لکن تحلیل آموزشی داده‌ها نشان داد که استعاره‌های مفهومی به‌عنوان یک ابزار شناختی و تفهیمی قدرتمند، در کتاب فارسی ششم ابتدایی به‌طور گسترده به کار رفته‌اند. با این حال، توزیع آن‌ها در دروس مختلف متوازن نیست و برخی حوزه‌های مبدأ (مانند کلان استعاره «مفاهیم شناخته‌شده‌تر») که عینیت کم‌تری برای دانش‌آموزان این پایه دارند، بیش از حد برجسته شده‌اند. این عدم توازن و گاه عدم تناسب، حاکی از آن است که استعاره‌ها به شکلی نظام‌مند و آگاهانه، با در نظر گرفتن کارکرد تفهیمی آن‌ها برای درک مفاهیم ناملموس و همچنین اهداف چندبعدی برنامه درسی (ادبی، تربیتی، روان‌شناختی و شناختی) طراحی نشده‌اند و با اصول تناسب سنی دانش‌آموزان منطبق نیستند. بنابراین، بازنگری در طراحی آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی بر این اساس، ضروری به نظر می‌رسد. بر همین اساس، پیشنهادهایی در سه دسته ارائه می‌شوند:

۱. برای مؤلفان:

- توجه به تنوع استعاره‌ها و ایجاد توازن در همه درس‌ها.
- استفاده از استعاره‌ها به‌عنوان ابزار آموزشی نظام‌مند و هدفمند.
- طراحی تمریناتی در انتهای فصل‌های کتاب آموزشی برای درک بهتر مفاهیم، از طریق به کارگیری استعاره‌های مفهومی.

۲. برای معلمان و مربیان:

- بهره‌گیری آگاهانه از استعاره‌ها در تدریس برای تسهیل درک مفاهیم انتزاعی.
- ایجاد ارتباط میان تجربه‌های روزمره دانش‌آموزان و مفاهیم علمی از طریق استعاره‌ها.
- استفاده از استعاره‌ها به‌عنوان ابزار خلاقیت و انگیزش در کلاس درس.
- طراحی فعالیت‌های استعاره محور برای آموزش زبان فارسی

۳. برای پژوهش‌های آینده:

- بررسی درک دانش‌آموزان از استعاره‌های شناسایی‌شده در کتاب‌های درسی.
- انجام پژوهش‌های آزمایشی برای سنجش تأثیر تدریس مبتنی بر استعاره و یادگیری.
- مطالعه مقایسه‌ای در پایه‌های مختلف تحصیلی برای بررسی تغییرات درک استعاره‌ها در مراحل رشد شناختی.

منابع و مآخذ

- اکبری شلدره، فریدون و دیگران. (۱۴۰۳). فارسی ششم. چاپ دهم. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- پندآموز، محمد و همکاران. (۱۴۰۲). کارکرد استعاره در یادگیری از دیدگاه ویتگنشتاین: یک تبیین نظام‌مند. غرب شناسی بنیادی. سال ۱۴. شماره ۱. صص: ۱۴۶۱۱۹.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سمت.
- زندی و همکاران. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی. نوآوری‌های آموزشی. سال ۱۵. شماره ۵۷. صص: ۲۲۷.
- شریفی، شهلا و زهرا حامدی شیروان. (۱۳۸۹). بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی. تفکر و کودک. سال ۱. شماره ۲. صص: ۶۳۳۹.
- صائمین و همکاران. (۱۴۰۱). تبیین استعاره‌های مفهومی جهت‌دار زمان در مکان کتاب فارسی پایه چهارم ابتدایی بر مبنای رویکرد لیکاف و جانسون. نوآوری‌های آموزشی. سال ۲۱. شماره ۸۲. صص: ۱۴۶۱۳۳.
- علیزاده، منصور و همکاران. (۱۴۰۳). واکاوی نقش استعاره در تفهیم مفاهیم غیر عینی. تربیت اسلامی. سال ۱۹. شماره ۴۷. صص: ۱۶۱۱۴۳.

- فتوحی، محمود. (۱۳۹۳). آیین نگارش مقاله علمی پژوهشی. چاپ یازدهم. تهران: سخن.
- فرجی، سیداسماعیل. (۱۴۰۳). جایگاه مطالعات میان رشته‌ای در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی. دوره ۱۰، ش ۱۸. صص ۸۱۱-۸۱۰۲.
- کریمی، محمدحسن و همکاران. (۱۳۹۵). تبیین و تحلیل کتاب فارسی ششم در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. دوره ۱۳، شماره ۴۹. صص: ۳۵۲۳.
- کوچس، زولتان. (۱۳۹۴). استعاره در فرهنگ؛ جهانی‌ها و تنوع، ترجمه نیکتا انتظام. تهران: سیاه‌رود.
- حسنی، کاظم و همکاران. (۱۳۹۷). بررسی تحلیل محتوای کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم ابتدایی براساس عوامل ذهنی و شاخص‌های خلاقیت از نظر گیل‌فورد. روان‌شناسی تربیتی. سال ۱۴، شماره ۴۸. صص: ۷۲۵۷.
- حسین‌پور بوانی، هدی و همکاران. (۱۳۹۸). رویکردهای آموزش زبان فارسی بر پایه ادبیات فارسی. پژوهش‌های ادبی. سال شانزده. ش ۶۳. صص ۳۷۶۱.
- خسروی، رباب و سمیه پیری. (۱۳۹۱). خلاقیت زبان‌آموزان غیر فارسی زبان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و توانایی آنها در تشخیص استعارات زبان فارسی. زبان پژوهشی دانشگاه الزهرا (س). سال هفتم. ش ۱۴. صص ۵۹۷۳.
- مختاری، مرضیه و همکاران. (۱۳۹۵). نقد و بررسی کتاب فارسی ششم ابتدایی با استفاده از تکنیک ادوارد فرای. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی. شماره ۱۴. صص: ۱۴۹۱-۱۴۴۱.
- مشکین فام، مهرداد و همکاران. (۱۳۹۹). آموزش واژگان فارسی بر اساس تاثیر استفاده از زبان اول بر آموزش زبان دوم. مطالعات آموزش زبان فارسی. سال ششم. ش ۱۱. صص ۱۱۳۶.
- نظری، جواد و مرضیه مختاری. (۱۳۸۸). نقش مقوله‌ها و واحدها در تحلیل محتوا. کتاب ماه علوم اجتماعی. ش ۱۴. صص: ۹۲۹۶.
- نیلی‌پور، رضا. (۱۳۹۴). زبان‌شناسی شناختی (دومین انقلاب معرفت‌شناختی در زبان‌شناسی). تهران: هرمس.

References

- Lakff, G., & Jhnsn, M. (۱۹۸۰). *Metaphrs we live by*. University f Chicag Press.
- Lakff, G., & Jhnsn, M. (۱۹۹۹). *Philsphy in the Flesh: The Embdied Mind and Its Challenge t Western Thught*. New Yrk: Basic Bks.
- Lw, G. (۲۰۰۵). Explaining evlutin: the use f animacy in an example f semifrmal science writing. *Language and Literature*, ۱۴(۲), ۱۴۸۱۲۹.
- Steen, G. (۲۰۱۶). Mixed metaphr is a questin f deliberateness. In Gibbs, R. Jr. (ed.). *Mixing metaphr* (pp. ۱۳۲۱۱۳). Amsterdam: Jhn Benjamins.
- Zltán, K. (۲۰۱۰). *Metaphr : a practical intrductin*. Published by xfrd University Press, Inc.



Language Distance and Dialect Challenges: An Examination of Pronunciation Difficulties in Persian for Chinese Speakers

Seyed Jalal Emam^۱

Assistant Professor of Persian Language Faculty of Asian and African Studies Xi'an International Studies University (XISU) Xi'an, China

Abstract

Examining the challenges faced by non-Persian learners and striving to simplify the process of learning the Persian language is a necessary endeavor. Today, thousands of individuals in China are engaged in learning Persian; nevertheless, the linguistic distance has confronted these Persian learners with challenges—particularly at the initial stages of their learning journey. The findings indicate that the significant phonological and syllabic distance between the two languages constitutes the primary source of difficulty. The restricted syllabic structure of Chinese, which is predominantly based on the simple consonant-vowel (CV) pattern, stands in stark contrast to the diverse syllabic structures of Persian. This contrast reaches its peak in patterns such as consonant-vowel-consonant-consonant (CVCC), giving rise to conspicuous difficulties in the pronunciation of coda consonants at the syllable-final position. Moreover, the long vowel /v:/ («آ») and the consonant /q/ («ق») have no counterparts within the vowel and consonant inventories of the Chinese language, rendering them unfamiliar to Chinese learners. Additionally, due to the early acquisition of the «Pinyin» system in childhood, when encountering Persian, another difficulty—which can be termed metalinguistic interference—plagues Chinese Persian learners. In the concluding section of this paper, an effort has been made to examine other obstacles, including the influence of geographical region and native dialect of Chinese Persian learners on their learning and pronunciation of Persian vocabulary, and, to the extent possible, to propose solutions for mitigating the aforementioned difficulties.

Keywords: Non-native Consonants, Vowel Structure, Coda Consonants, Mandarin Chinese.